

تفاوت روزنامه‌نگاری تحقیقی در حوزه کودکان با سایر حوزه‌ها

گفت‌وگو با دینیس آزیری





مرکز عدالت
برای کودکان و نوجوانان

تفاوت روزنامه‌نگاری تحقیقی
در حوزه کودکان با سایر حوزه‌ها
گفتگو با خانم دنیس آذیری استاد دانشگاه کلمبیا

مقدمه

روزنامه‌نگاری تحقیقی یا Investigative Journalism همانطور که از نام آن برمی‌آید بر تحقیقات و جستجوگری استوار است. خیلی از سوژه‌ها نیاز به کنکاش بیشتری دارد و روزنامه‌نگاران برای ورود به آن مجبور هستند از سطح رویدادها کمی فراتر روند تا بتوانند به نتایجی قابل توجه دست یابند. برای مثال وقتی صحبت از شکنجه یا سوءرفتار پلیس با کودکان مطرح می‌شود، ما ناگزیریم کاری از جنس روزنامه‌نگاری تحقیقی یا روزنامه‌نگاری دیده‌بان (Watchdog Journalism) انجام دهیم، تا بتوانیم مانع از تضییع حقوق کودکان شویم و حقایقی که ممکن است پنهان بماند را کشف و منتشر کنیم.

روزنامه‌نگاری تحقیقی چیست؟ چه خصوصاتی دارد و چگونه با روزنامه‌نگاری تحقیقی می‌توان از کودکان محافظت کرد؟

این پرسش‌ها محور گفتگوی ما با خانم دنیس آژییری مدرس مدرسه روزنامه‌نگاری دانشگاه کلمبیا در ایالت نیویورک آمریکاست. خانم آژییری هم سابقه فعالیت در حوزه روزنامه‌نگاری تحقیقی دارد و هم در این حوزه به آموزش و تدریس مشغول است. او معتقد است روزنامه‌نگاری تحقیقی کار تک نفره نیست و باید تیمی کار کرد و دایره آن نیز چندان محدود نیست و می‌توان سراغ سوژه‌های گسترده‌ای رفت.

- خانم آژییری برای اینکه بتوانیم بحث امروز را شروع کنیم، ممنون می‌شوم ابتدا مقدمه‌ای از شما بشنویم در خصوص تعریف روزنامه‌نگاری تحقیقی و ویژگی‌های آن، و اینکه روزنامه‌نگاری تحقیقی چه کارکردی دارد و اصولا چرا ما به روزنامه‌نگاری تحقیقی نیاز داریم؟

من ابتدا این نکته را بگویم که بعد از دو سال و نیم یا سه سال که در رادیو فردا کار کردم برای یک فلوشیپ روزنامه‌نگاری به آمریکا آمدم و اینجا با روزنامه‌نگاری تحقیقی آشنا شدم. یعنی قبل از آن اصلا نمی‌دانستم که همچنین فیلدی وجود دارد. اولین کار تحقیقی که انجام دادم مربوط به مدرک دکترای حسن روحانی بود. ایشان آن زمان کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری بود و ادعا می‌کرد که دکترای خود را از دانشگاه گلاسکو دریافت کرده است. من وقتی شروع کردم به نوشتن پروپایل و بیوگرافی‌اش، متوجه شدم که اصلا آن دانشگاه نرفته و یک دانشگاه خیلی معمولی رفته، دانشگاهی که می‌توان با پرداخت پول خیلی ساده پذیرش گرفت و درس خواند و دکتر شد. بعد از نگارش این گزارش تازه متوجه شدم که فیلدی به نام روزنامه‌نگاری تحقیقی وجود دارد و گزارشی که نوشته‌ام مصداقی از این فیلد است، لذا تصمیم گرفتم در شاخه روزنامه‌نگاری تحقیقی تحصیل کنم. بعد از فارغ‌التحصیلی برای رسانه‌های مختلفی از جمله کریستین ساینس مانیاتور، تهران بیرو که آن موقع با گاردین پارتنرشپ داشت کار کردم و بعد برگشتم به دانشگاه کلمبیا در نیویورک و مشغول تدریس شدم.

در مورد روزنامه‌نگاری تحقیقی، هر کسی یک تعریفی دارد از این رو ممکن است کم و بیش تفاوت‌هایی در تعریف وجود داشته باشد. تعریف من این است که روزنامه‌نگاری تحقیقی نوعی از روزنامه‌نگاری است که نیازمند تحقیق و کاوش بیشتر است، یعنی اگر یک چیزی خبره، ما به عنوان روزنامه‌نگار تحقیقی، آن را چند پله جلوتر می‌بریم و از حالت خبر درش میاریم، بیشتر توضیح می‌دهیم و کندوکاو می‌کنیم که یک اتفاقی چرا و چطور رخ داده، مثلا اگر در جایی بمبی منفجر شده و چند نفر کشته شده، خبر این است که این بمب منفجر شد، در این روز این اتفاق افتاد، اینقدر کشته و اینقدر زخمی شدند، اما روزنامه‌نگار تحقیقی شروع می‌کند به جستجو، یک ذره عمیق‌تر می‌شود که چرا این اتفاق افتاد؟ چه کسانی دخیل بودند؟ افرادی که دخیل بودند از طرف چه کسانی حمایت می‌شدند؟ تسلیحات آن از کجا می‌آمد؟ گردش مالی آن چگونه بوده است؟ و توضیح می‌دهد که چگونه چنین اتفاقی می‌افتد و برای همین هر خبری را که بخواهید در آن عمیق شوید و اطلاعاتی را بدست آورید که هر کسی با یک سرچ ساده در اینترنت نمی‌تواند به دست بیاورد را کشف کنید، نیاز به روزنامه‌نگاری تحقیقی دارید.

این روزها وقتی صحبت از روزنامه‌نگاری تحقیقی می‌شود همه نگاهها به درز اطلاعات ختم می‌شود، ولی این تنها یک بخش خیلی کوچکی از روزنامه‌نگاری تحقیقی است، یعنی درصد خیلی ناچیزی از روزنامه‌نگاری تحقیقی در این سطح اتفاق می‌افتد که اطلاعات

محرمانه خیلی مهم افشا می‌شود مثل آنچه در ویکی لیکس اتفاق افتاد. این اتفاق‌ها نادر است، برای خود من تا حالا اتفاق نیفتاده که اطلاعات محرمانه‌ای کشف کرده باشم، یا اینکه کسی اطلاعات خیلی مهمی به من درز داده باشد.

معمولاً روزنامه‌نگاری از یک سرخ شروع می‌شود یعنی ممکن است کسی اطلاعات به شما یا سازمان شما می‌دهد و شما از آنجا شروع می‌کنید به تحقیق کردن. ابتدا در پی این هستید که بدانید آیا این خبری که دریافت کرده‌اید، درست است یا خیر، پیدا کردن اسناد مربوطه کاری است که باید انجام دهید چون کسی این اطلاعات را در اختیار شما نمی‌گذارد.

در روزنامه‌نگاری تحقیقی همیشه این سوال باید گوشه ذهن‌تان باشد که «این اتفاق چرا رخ می‌دهد یا رخ داده است؟» داشتن ذهن پرسشگر مقدمه ورود به روزنامه‌نگاری تحقیقی است. مثلاً در انگلیسی می‌گوییم یک چیزی دارد ترند می‌شود، مثلاً در حوزه کودک فرض کنید توی یک مدرسه یکی از بچه‌ها در هفته چندین بار غیبت دارد و مدام می‌گوید سرما خورده و به طور آنی این سوال به ذهن‌تان می‌رسد که چرا این اتفاق به صورت تکراری دارد اتفاق می‌افتد؟ یا با مرور اطلاعات متوجه می‌شوید در یک استان یا یک منطقه از کشور «ازدواج کودکان» به طور غیرعادی در حال افزایش است یا برعکس از بقیه نقاط ایران نرخ پایین‌تری دارد، یافتن علت آن برای شما جالب می‌شود. این می‌شود داستان یک گزارش تحقیقی و جستجو را آغاز می‌کنید.

روزنامه‌نگاری تحقیقی چند ویژگی دیگر نیز دارد که لازم است به آن توجه کرد. اول اینکه شاخه بسیار گرانی است، چراکه نگارش یک گزارش در روزنامه‌نگاری تحقیقی مدتها طول می‌کشد و افراد زیادی به صورت تیمی روی یک سوژه کار می‌کنند. پس هزینه انجام چنین کاری زیاد است. گاهی یک گزارش شش ماه تا یکسال طول می‌کشد. برای مثال وقتی مساله اسناد پاندورا مطرح شد یکی تیمی با حدود ۲۷۰ روزنامه‌نگار به مدت ۲ سال روی آن کار می‌کردند. یا گزارشی که رویتر یک زمانی در خصوص ثروت آیت‌الله خامنه‌ای گردآوری کرد ۳-۴ نفر به مدت یک سال روی این پروژه کار می‌کردند و حدود ۱۲۰ هزار دلار برای آن هزینه کردند تا آن گزارش بیرون آمد. به همین دلیل بیشتر رسانه‌ها علاقه‌ای به ورود به این سوژه‌ها ندارند. ضمن اینکه گاهی پس از ماهها تحقیق به دلیل پیدا نکردن اسناد معتبر مجبور می‌شوید سوژه را رها کنید و قید آن را بزنید یا زاویه دیدتان را تغییر دهید.

دوم اینکه روزنامه‌نگاری تحقیقی می‌تواند بار حقوقی داشته باشد و خیلی از رسانه‌ها ممکن است علاقه‌ای به منتشر کردن گزارش‌های تحقیقی نداشته باشند. چون وقتی یک چنین گزارشی آماده می‌شود تیمی از وکلای آن را بررسی کنند تا از عواقب حقوقی آن شما را حفظ کنند.

- در مقدمه بحث، خوبه این سوال را هم توضیح بدید که روزنامه‌نگاری دیدبان یا Watchdog Journalism چه تفاوت‌هایی با روزنامه‌نگاری تحقیقی دارد؟ آیا این دو را می‌شود یکی فرض کرد و یا تفاوت‌هایی بین آنها وجود دارد؟

بله، حتما، از نظر من، روزنامه‌نگاری دیده‌بان بخشی از روزنامه‌نگاری تحقیقی است. به خاطر اینکه هدف روزنامه‌نگاری تحقیقی، تاثیرگذاری است. مثلا شما مطلع می‌شوید که سیاستمداری همه اموال خود را در پاناما پنهان کرده و گزارش آن را منتشر می‌کنید این به عذرخواهی ختم نمی‌شود، بلکه آن سیاستمدار استعفا می‌دهد. تو روزنامه‌نگاری تحقیقی وقتی ما پی می‌بریم که مقامی خاطلی است، شما سراغ او می‌روید سوال می‌پرسید و طرف ممکن است نخواهد جواب دهد، واچ داگ ژورنالیسم آخرین مرحله روزنامه‌نگاری تحقیقی است. به خاطر اینکه شما موقعی می‌روید سراغ یک آدم که هم به اندازه کافی دلیل داشته باشید و هم بتوانید آن آدم را ترغیب کنید به اینکه به سوال‌های شما پاسخ دهد این اتفاق زمانی می‌افتد که طرف متوجه می‌شود که شما همه چیز را می‌دانید، اگر زودتر بروید ممکن است این آدم شما را بترساند و شما را تهدید کند و به شما بگوید شما اصلا هیچی نمی‌دانید و من برای چی باید با شما حرف بزنم. ولی وقتی که شما در آخرین مرحله که همه داده‌ها رو دارید و می‌روید سمت آن آدمی که میخواهید او را پاسخگو کنید، او نمی‌تواند شما را تهدید کند، چون شما همه فکت‌ها را جمع کرده‌اید و با دست پر روبرویش ایستاده‌اید.

- خانم آژی‌ری، حالا که با روزنامه‌نگاری تحقیقی آشنا شدیم، من می‌خواهم بحث را ببریم روی موضوع کودکان، و اینکه چرا ما برای رصد مسائل کودکان به روزنامه‌نگاری دیده‌بان یا روزنامه‌نگاری تحقیقی نیاز داریم؟ در واقع به طور مشخص وقتی در مورد سوءرفتار پلیس علیه کودکان یا نحوه برخورد سیستم قضایی نسبت به کودکان یا حتی موارد شکنجه کودکان، صحبت می‌کنیم چه ویژگی روزنامه‌نگاری تحقیقی می‌تواند سازنده باشد و کمک می‌کند تا بتوانیم ابعاد ماجرا را برای مخاطب باز کنیم؟

بله حتما، اصولا وقتی در مورد سوءرفتار با کودکان صحبت می‌کنیم، مهمترین دلیلی که ما را نیازمند روزنامه‌نگاری تحقیقی می‌کند، دیدن رفتارهایی است که با چشم غیرمسلح نمی‌توان آن را دید. چون ما دنبال مسائلی که به طور عادی اتفاق می‌افتد نیستیم، بلکه ما دنبال لایه‌های زیرین یک اتفاق هستیم که به طور معمول دیده نمی‌شود.

روزنامه‌نگار تحقیقی این امکان را به ما می‌دهد تا به گوش افراد برسیم که یک خطایی در حال وقوع است. خطایی که ممکن است در ابعاد گسترده و یا در ابعادی کوچک در حال وقوع باشد. انتشار نتایج چنین تحقیقی می‌تواند به توقف سوءرفتار علیه کودکان یا کاهش آن شود. چون وقتی افراد خاطلی بدانند چشم‌هایی آنها را رصد می‌کند دست از تخلف برمی‌دارند.

در موضوعی مثل شکنجه و یا سوءرفتار علیه کودکان به انحاء مختلف می‌شود از روزنامه‌نگاری تحقیقی بهره برد. از فردی که به عنوان مشاهده‌گر فقط در یک جا بدون اینکه خودش را دخالت دهد، تا پیدا کردن افرادی که حاضرند در این مورد صحبت کنند. من چند مرحله را برای دانشجویانم توضیح می‌دهم، یکی از این مراحل که ممکن است در تهیه گزارش در مورد سوءرفتار علیه کودکان، می‌تواند کارکرد داشته باشد مرحله پیدا کردن منبع و نحوه دسترسی به اطلاعات است. ما در جمع‌آوری اطلاعات از مراجع سهل‌الوصول مثل NGOها شروع می‌کنیم چون نهادهای مدنی خیلی از اطلاعاتی که شما می‌خواهید را یکجا می‌توانند در اختیاران بگذارند، اطلاعاتی که برای جمع‌آوری آن بدون کمک آنها باید کلی وقت گذاشت.

مرحله بعدی کارشناسان، اساتید دانشگاه و افرادی هستند که روی این حوزه کار می‌کنند مثل مددکاران اجتماعی، به خاطر این که این افراد تمام وقتشان را مشخصاً گذاشته‌اند روی سوژه‌ای که شما شاید به عنوان روزنامه‌نگار ۶ ماه هست با آن آشنا باشید. حتی خیلی از اطلاعاتی که NGOها در اختیار شما گذاشته‌اند را کارشناسان و متخصصان می‌توانند تجزیه و تحلیل کنند که شما متوجه شوید این اتفاقات چرا و چگونه می‌افتد؟ چرا این اطلاعات مهم هستند؟ از کجا می‌شود به ماجرا نگاه کرد؟ کجای ماجرا از دست رفته و باید توجه بیشتری کنیم؟ اساتید دانشگاه می‌توانند منابع خیلی مهمی باشند چرا که تحلیل آنها اهمیت مساله را خیلی روشن می‌کند به طوری که حتی ممکن است پیش فرض‌ها را تغییر دهند.

مرحله بعد خود افرادی هستند که مورد سوءرفتار قرار گرفته‌اند. اما اینجا چون قربانی کودکان هستند خیلی با احتیاط باید سراغ آنها رفت. باید مراقب بود سوال‌ها باعث آزار آنها نشود.

یکی از منابع مهم که در روزنامه‌نگاری تحقیقی خیلی می‌تواند مهم باشد افرادی است که سابقاً در این مقامی که در مورد آن تحقیق می‌کنید قرار داشته، آنها کلید ورود به سازمان هستند، چون اطلاعات آنها خیلی می‌تواند کمک‌کننده باشد. یا افرادی که در یک شرکتی بوده‌اند و الان نیستند آنها به دلایل مختلف ممکن است با ما در گردآوری اطلاعات همکاری کنند. مهمتر از این افراد، کسانی هستند که همین الان در آن سازمان یا آن شرکت مشغول کار هستند و حاضرند اطلاعاتی در اختیار شما بگذارند.

مرحله بعد فکت چک کردن اطلاعات است. هر اطلاعاتی در این مراحل جمع‌آوری می‌کنیم را باید درستی‌سنجی کنیم. بدون اعتبارسنجی یک ادعا نمی‌شود از آن استفاده کرد، یعنی اگر برای ادعایی سندی پیدا نکردید نمی‌توانید از آن استفاده کنید.

بعد از اینکه تمام اسناد و مدارک لازم را بدست آوردیم و از صحت آنها اطمینان حاصل کردیم، الان زمانی است که به عنوان واچ داگز ژورنالیسم وارد و مستقیم سراغ فرد خاطی برویم.

- خیلی ممنون از توضیحات خیلی خوبی که دادید، اگر اجازه بدهید یک نکته‌ای اضافه کنم راجع به نکته‌ای که اول بحث تان مطرح کردید در مورد ریسک گزارشی که به عنوان حاصل یک کار تحقیقی یا یک کار روزنامه‌نگاری دیدبان می‌خواهید منتشر کنید، گاهی نتایجی که به دست می‌آید به دلیل ریسک بالا امکان انتشار ندارد بلکه می‌شود از آن استفاده‌های دیگری کرد. مثلاً وقتی شما یک سری اطلاعات خیلی خوبی به دست می‌آورید، این اطلاعات را هم می‌توانید در گزارش‌های دیگری استفاده کنید و هم می‌توانید علیه آن مقامی که مرتکب فساد شده به عنوان یک ابزار فشار مورد استفاده قرار دهید مثلاً به او هشدار دهید که در صورت تکرار آن را منتشر می‌کنید یا اینکه حتی می‌توانید کارهای بیشتری کنید، یعنی اینکه به جای آن که منتشر کنید و ریسک انتشارات گزارش را به عهده خودتان و رسانه‌ای که باهانش کار می‌کنید، می‌شود آنها را در اختیار نهادهای بازرسی گذاشت و از آنها بخواهیم که ورود کنند یا حتی به یک وکیلی بدهیم که به صورت رسمی از آن مقام شکایت کند و از مجاری قضایی مساله را پیگیری کنید. در واقع نکته من این است که استفاده از نتایج حاصله از روزنامه‌نگاری تحقیقی صرفاً قرار نیست تبدیل به گزارشی رسانه‌ای شود بلکه می‌شود از آن استفاده‌های جانبی کرد و کمک کرد با توسل به اطلاعاتی که جمع آوری کرده‌ایم به فسادی خاتمه دهیم، این موضوعی بود که من فکر کردم شاید جا داشته باشه راجع بهش صحبت کنیم.

وقتی که ما در مورد روزنامه‌نگاری تحقیقی صحبت می‌کنیم از ابتدا همه یاد واترگیت می‌افتند یا به اتفاقات بزرگ مثل اسناد پاندورا یا ویکی لیکس فکر می‌کنند ولی اصلاً اینگونه نیست، آنها موارد نادری هستند که اتفاق افتاده است. یکی از گزارش‌های تحقیقی که اینجا در نیویورک خیلی مطرح شد و اتفاقاً یکی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه کلمبیا هم نوشته بود تحقیقی بود در خصوص اینکه کسانی که در نیویورک کار کاشت ناخن انجام می‌دهند، درآمد بالایی ندارند، در حالی که ساعات زیادی را در محیط کار می‌گذرانند یا گزارش دیگری که در مورد استفاده از سرب در ساختمان‌سازی و آسیبی که به بچه‌ها وارد می‌کند. منظورم این است که روزنامه‌نگاری تحقیقی همیشه دست گذاشتن روی سوژه‌های حساس و پرخطر نیست. فقط دید روزنامه‌نگار تحقیقی باید عمیق‌تر باشد، یکی از خبرنگاران پس از شلوغی‌های هنگ کنگ وقتی در خیابان قدم می‌زد با کپسول خالی گاز اشک‌آوری که شلیک شده بود، روبرو و متوجه می‌شود که روی آن نام برندی از محصولات شرکتی در میشیگان آمریکا بوده است. جستجو کرده بود متوجه شده بود که این شرکت این گازهای اشک‌آور را تولید و در اختیار دولت قرار می‌داده است.

پس روزنامه‌نگاری تحقیقی را نباید الزاماً کاری خطرناک که می‌تواند جان را به خطر اندازد دانست. همین که شما ته و توی هزینه کرد بودجه یک پارک را در می‌آورید و از انحراف بودجه‌ای خبر می‌دهید یعنی کار روزنامه‌نگاری تحقیقی انجام داده‌اید.

تحقیق در مورد سوءرفتار علیه کودکان می‌تواند از کارهای پرریسک باشد ولی رعایت اصول

حرفه‌ای و مراقبت از افرادی که اطلاعات در اختیار ما می‌گذارند، می‌تواند ریسک کار را کاهش دهد. مثلاً در گزارش به هیچ عنوان نام کودکان را نباید آورد مگر آنکه مطمئن شویم خطری آنها را تهدید نمی‌کند و به لحاظ اخلاقی مساله‌ای ایجاد نمی‌کند. یعنی حتی در انتشار اطلاعات نباید آنقدر اطلاعات جزئی را در گزارش آورد که شناسایی افراد را آسان کند.

- تفاوت اصلی روزنامه‌نگاری تحقیقی در رابطه با کودکان و موضوعات دیگر در چیست؟

به نظر من خط قرمز اصلی امنیت کودک است، یعنی اولین چیزی که آدم باید فکر کند این است که آیا پرسش‌های ما حال آن کودک یا نوجوان را خراب می‌کند یا نه؟ مثلاً فرض کنید دارید در مورد آزار جنسی کودک تحقیق می‌کنید، شما می‌دانید ورود به برخی مسایل و طرح برخی پرسش‌ها باعث آزار آن کودک می‌شود، من شخصا به چنین حوزه‌ای ورود نمی‌کنم چون نمی‌توانم راهی برای پیشگیری از آزار بیشتر آن کودک بیابم و به نتایج مورد نظر در گزارش تحقیقی‌ام برسم. من اگر احساس کنم سوال‌ام باعث شود کودک به خاطر تروماهایی که با آن درگیر بوده بلرزد به لحاظ احساسی کم می‌آورم.

نکته دیگر اینکه ما باید به کودک اطمینان خاطر دهیم که او را به خطر نمی‌اندازیم، بلکه منافع او را در نظر داریم.

این نکته را باید در نظر داشت که کودکان بزه‌دیده یا بزه‌کار به طور معمول افرادی هستند که آسیب پذیرند، مطرح کردن اسم و عکس آنها می‌تواند آینده آنها را به خطر اندازد، سبب شرمساری آنها شود و ... بنابراین استانداردهای اخلاقی ورود به حوزه کودکان متفاوت است و باید رعایت کنیم.

- من با اجازه این را هم اضافه کنم که وقتی از کودکان صحبت می‌کنیم، مسایل حقوقی دست روزنامه‌نگار رو می‌بندد، یعنی طرح برخی سوالها از کودکان، خود می‌تواند مصداق شکنجه باشد. برای مثال در پروتکل استانبول به صراحت آمده که اگر پزشکی کودکی را معاینه می‌کند باید معاینه در حضور والدین کودک باشد که کودک احساس امنیت داشته باشد و معاینه باید ضبط شود تا اگر لازم شد پزشک دیگری نیز نظر دهد، لازم به معاینه مجدد کودک نباشد، بلکه فیلم معاینه را ببیند و نظر دهد. بنابراین کودکان حقوقی دارند که هر روزنامه‌نگاری پیش از ورود به این حوزه باید آنها را دقیق خوانده باشد و با تسلط به مسایل حقوقی به حوزه کودکان ورود کند تا منافع عالی‌ه کودک را قربانی بالا بردن جذابیت گزارش خود نکند. ولی متأسفانه می‌بینیم که خیلی از این موارد در رسانه‌ها رعایت نمی‌شود برای مثال پلیس نمی‌تواند به کودک دستبند بزند ولی این کار را می‌کند و هیچ رسانه‌ای هم واکنشی نشان نمی‌دهد، یا دادستان و قاضی پرسشی از کودک می‌پرسند که اشک کودک را در می‌آورد ولی رسانه‌ها به آن نمی‌پردازند یا معلم در مدرسه برخورد خشونت‌آمیز با کودک دارد، اینها مواردی است که خبرنگاران اگر با

حقوق کودک آشنا باشند نسبت به آن حساس می‌شوند و بیشتر به آن می‌پردازند. اصولاً وقتی ما صحبت از روزنامه‌نگاری تحقیقی در مورد سوژه‌هایی همچون سوءرفتار علیه کودکان می‌کنیم قاعدتاً نه کودک بلکه فرد خاطی محور تمرکز ما باید باشد.

یک چیزی که من بهش خیلی علاقه دارم استندآپ کم‌دی و آن چیزی است که آنجا تعریف می‌کنند که در روزنامه‌نگاری هم مصداق دارد. می‌گویند مرز شوخی کجاست؟ ویکی جرویز می‌گوید شوخی هیچ مرزی ندارد تا جایی که بدانی چگونه شوخی کنی، مثلاً می‌گفت حتی با تجاوز هم می‌شود شوخی کرد اگر بدانی از کجا وارد شوی و در چنین شوخی‌ای نورافکن را روی قربانی نمی‌گذاری بلکه روی آدم خطا کار می‌گذاری. این درست مثل همین نکته‌ای است که به آن پرداختی، ما در خصوص کودکان نیاز نداریم که تمرکزمان را روی کودک بگذاریم و بخواهیم که او ماجرا را برای ما تعریف کند بلکه ما تمرکز را باید روی فرد خطا کار بگذاریم، کسی که مرتکب سوءرفتار علیه کودکان شده است. تا وقتی اینگونه به مساله نگاه می‌کنیم و حواس خود را جمع می‌کنیم که کجا درست می‌روییم و کجاها ممکن است اشتباه کنیم می‌توانیم ورودی موفق به مساله کودکان داشته باشیم.

- بی‌نهایت از وقتی که برای این گفتگو گذاشتید، خوشحال می‌شوم نکته پایانی شما را بشنوم.

ما وقتی در روزنامه‌نگاری تحقیقی از کودکان صحبت می‌کنیم مراد این نیست که کودک مرجع گردآوری اطلاعات ما شود، فرض ما این است که کودک اصلاً اطلاعاتی ندارد که به گزارش ما کمک کند. حتی ممکن است یک کودک خاص محور گزارش ما نباشد بلکه ما به طور کلی به حوزه کودکان ورود داریم و می‌خواهیم حقوق آنها را ارتقاء ببخشیم، پس محور گزارش گپ‌هایی است که این حقوق را تضييع می‌کند. ممکن است ما مجبور شویم با کودک یا کودکانی هم صحبت کنیم ولی سوال ما از آنها بسیار کلی است سوالاتی که به آنها آسیب نمی‌رساند. هیچ سوالی را از هیچ کودکی بدون حضور والدین نمی‌پرسیم، کودک باید از صحبت کردن احساس امنیت کند و در راستای منافع او باشد. به هر حال این حوزه حساسی است و باید با حساسیت به آن ورود کرد.

- روزنامه‌نگاری تحقیقی آن هم در حوزه کودکان مسایل بسیاری دارد که در این گفتگو مجال طرح آن پیش نیامد، و باید خیلی بیشتر به این موضوع پرداخت. امیدوارم در نشست‌های بعدی باز فرصتی برای گفتگو در این حوزه باشد. از خانم دنیس آژییری بابت این گفتگوی ارزشمند سپاسگزارم.



زمستان ۱۴۰۰